



۲۰۱۷/۰۵/۲۸



فرستنده: لایق جان خوستی

## سید جمال الدین افغانی و نخبگان افغانستان (طرزی، غبار، جاوید، فرهنگ، خلیلی و حبیبی)

(به قلم: ف. فاضل)

قسمت پنجم

۶- پوهاند عبد الحی حبیبی:



یکنن از نخبگان دیگر افغانستان که در مورد سید جمال الدین نگاشته، علامه عبدالحی حبیبی (۱۹۱۰-۱۹۸۴م) است، علامه حبیبی کتاب ارزشمندی دارد به نام «نسب و زادگاه سید جمال الدین الافغانی» که ۳۰ سال قبل از امروز<sup>۱</sup> در کابل به چاپ رسیده است و متأسفانه، تحقیقات مفید استاد حبیبی از طرف هموطنان، پیگیری نشده است. این کتاب به خاطر اهمیتی که دارد و شاید عده زیادی از هموطنان، این حرف ها را برای نخستین بار در مورد سید جمال الدین افغانی، از زبان یک تن از پیشکسوتان عرصه پژوهش و تحقیق در افغانستان بشنوند و بخوانند، بناءً به برخی از آنچه پوهاند حبیبی نگاشته است، اشاره می کنم.

**علامه حبیبی می نگارد:** «سید علی پدر سید صفر به سبب اقامت در همدان به همدانی شهرت داشت و در «دونهی پشد» کتر مدفون است که به نام زیارت شاه همدان مشهور است» ص ۳۳

<sup>۱</sup> اشاره به اینکه این نوشته، برای نخستین بار، در سال ۱۳۸۵ هجری خورشیدی نگارش یافته و کتاب استاد عبدالحی حبیبی در سال ۱۳۵۵ ه. ش از طرف مؤسسه بیهقی در کابل، به چاپ رسیده است.

پوهاند حبیبی در اثر یادشده اش از رقابت های فیودالی میان سید صفدر، پدر سید جمال الدین و بنی اعمامش پسران سید نظیف حرف زده می گوید: «پسران سید نظیف غالب آمده و سید صفدر از بطن وادی کنر و «پشد» به روستاهای کنار آخرین جنوب وادی کنر سفلی، جایی که شیرگر (یعنی اسد اباد) نام دارد، پس نشسته بود... و در آنجا قلعه یی به نام خود «صفدری» بنا نهاد که تا کنون هم شیرگر و صفدری به فاصله ۵۰ کیلومتر از جلال اباد به همین نامها کاین اند و همین قریه در شیرگر، مولد سید جمال الدین در سال ۱۲۵۴ ق ۱۸۳۸ م بود» ص ۴۲

پوهاند حبیبی همچنان می نگارد که سید محمود پاچا از بنی اعمام سید صفدر که داماد وزیر اکبر خان بود، حکمران مطلق کنر شد. سید صفدر رقیب او با فرزند و دودمانش در حدود سال ۱۸۴۴ به کابل آورده شد که سید جمال عمری بیش از ۶ و ۷ سالگی نداشت. ص ۴۳

پوهاند حبیبی در کتاب پژوهشی اش به نکته ای اشاره می کند که شاید نخستین تصریحی باشد که یک محقق افغانی در سطح بلندی چون پوهاند حبیبی آن را بیان می دارد.<sup>۲</sup>

استاد حبیبی می گوید: «سید صفدر... برای نجات از دسایس درباری به نیت حج با اولاد و آل خود از راه قندهار و هرات به زیارت امام هشتم و مشهد شتافت و از آنجا در اسد آباد همدان با خانواده قاضی میر شرف الدین حسینی... خویشی و سکونت و قرابت کرد، زیرا پدرش سید علی با همدانیان سابقه آشنایی داشت.» ص ۴۳

**استاد حبیبی می افزاید :**

«آنچه لوح مرقد مسیح الله برادر سید، متوفا (۱۲۹۶ ق) و طیبه بیگم، مریم و دیگر اقارب نامادری سید در اسد اباد همدان مانده ، از اعقاب همین خواهران و برادر او باشند که ما نظایر چنین هجرت ها و وصلت های خانوادگی صدها خاندان افغانی و ایرانی را در طول تاریخ نشان داده می توانیم.» ص ۴۳

**پوهاند حبیبی ، همچنان می نویسد:**

« سید علی جد سید جمال الدین در راه زیارت حرمین ، راهش به همدان افتاده و مدتی در آنجا بوده و با خانواده سادات اسد اباد همدانی آشنایی (و شاید وصلتی) هم داشته است.» ص ۴۷

سید علی وقتی که به کنر عودت می کند، به همدانی و شاه همدان مشهور می شود. استاد حبیبی در باره «شیرگر» می گوید: « شیرگر به سه حصه: شیرگر، شیرگر عبد الجلال و شیرگر گل محمد تقسیم شده است که حالا مربوط ولسوالی کامه است » ص ۴۸

**همچنان استاد حبیبی گفته است:** «شیرگر (اسدآباد) مولد سید جمال الدین، در آن وقت جزو کنر شمرده میشد» ص ۵۱

استاد حبیبی به نقل از قاضی عبد الغفار مولف کتاب « اثار سید جمال الدین» که از محمد نادر خان در سال ۱۹۲۷ میلادی ، حینی که موصوف در پاریس بود ، درمورد زادگاه سید جمال الدین پرسیده است ، نادر خان در جواب گفته است : « در علاقه موجوده کنر در افغانستان که برای سکونت سادات مخصوص است «شیرگده» نام جایی است معنی اسد اباد ، می دهد» ص ۵۴ - قابل یادآوری است که شیرگر پشتو به املائی اردوی آن، شیرگده نوشته شده است.

---

<sup>۲</sup> اما بایست در این پینوشت تصریح کنم که علامه حبیبی این حرفها را بعد از نشر کتاب مهم و مفید « اسناد و مدارک چاپ نشده در مورد سید جمال الدین مشهور به افغانی» که در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی از طرف دانشگاه تهران به چاپ رسید ، بیان کرده است ، نه قبل از آن و شاید مشاهده و مطالعه عمیق آن همه اسناد ، باعث شده باشد تا نظریات پژوهشی علامه حبیبی با دیگران فرق داشته باشد.

استاد حبیبی می گوید: شیرگر، زادگاه سید جمال الدین است، ولی سید چون به شاگردان عربی و ترکی و یا غربیان یا ایرانیان می گفت که مولد من اسد اباد کنر افغانستان است، مرادش همین شیرگر است که در زبان این جای را اسد اباد گفته اند و اکنون فقط نام پشتوی آن باقی مانده است. زیرا در تمام این نواحی کنر و کامه، مردم به زبان پشتو تکلم می نمایند و اسد اباد فقط ترجمه شیر گر پشتو است.

**پوهاند حبیبی می نویسد:**

« محقق نامدار معاصر ایران علامه محمد قزوینی نیز گوید که این ادعاها، فرضیات فی الواقع باور نکردنی است که یکی از اهالی اسد اباد که خود را خواهر زاده او معرفی کرده و چند سال قبل رساله بی در این خصوص منتشر ساخته است و اعضای خانواده او را به عقیده خود که هنوز در اسد اباد هستند، یکا یک بر شمرده است.» ص ۵۶

**حبیبی بر این حرف قزوینی چنین تبصره می کند:**

« با وجود اینگونه نظر محققان، باید از ادعاهای بی دلیل صرف نظر کرد...»

از مطالعه کتاب پوهاند حبیبی بر می آید که سلسله انسابی را میرزا لطف الله خان به نام خواهر زاده سید جمال الدین به نشر سپرده است، استاد حبیبی، همه را نمی پذیرد، اگر صریحتر حرف بزنم، استاد علامه حبیبی شاید نخستین افغان پژوهشگری باشد که حرفهایش با ادعای ایرانیان در مورد سید جمال الدین نزدیکتر است و حرفهایش هم بر نتیجه تحقیق و پژوهش استوار.

**استاد حبیبی می گوید:**

«... در چنین حال ادعای لطف الله در نسب نامه مندرجه، بالاتر از سید صفدر و خواهران نامادری سید در اسد اباد همدان، نتوان پذیرفت. ولی ما در اسناد و مدارک سید جمال الدین مکاتیب و نامه‌های متعدد اقارب متاخر سید را در اسد اباد همدان می بینیم که از وجود پدر و خواهرانش در آنجا انکار نتوان کرد.» ص ۶۰

**استاد حبیبی با اشاره به این اسناد می گوید:**

«... و از تمام آن قرابت سید با این خاندان و وجود خواهران و مادر اندر و پدر و برادرش استنباط می گردد. ولی اگر کسی بسیار بدبین گردیده و برخلاف منطق، این نامه‌ها را معجول و با سببی از اسباب مجروح بداند.» ص ۶۲

اقایان اصغر مهدوی و ایرج افشار در مقدمه کتاب مهم «مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده در مورد سید جمال الدین مشهور به افغانی» می نگارند:

« محققان هنوز نتوانسته اند به این حقیقت دست یابند که وی اصلاً ایرانی بوده یا افغانی. در ایران متولد شده بوده یا در افغانستان. متأسفانه مدارکی هم که درین مجموعه گردآوری شده است، هنوز این مطلب را به خوبی روشن نمی سازد. گرچه در پیوند او و خانواده اش با اسد اباد همدان، شکی باقی نمی ماند، این سؤال پیش می آید که چرا سید خود را (مطابق سند شماره ۲۹) به عنوان یکی از اهالی افغان و کابلی و از سادات کنر معرفی کرده است، در صورتی که خانواده سید به علی که بر ما مکشوف نیست و شاید روزی کشف شود، از افغانستان مهاجرت کرده و در اسد اباد مسکن گزیده اند.»<sup>۳</sup>

<sup>۳</sup> (مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده در مورد سید جمال الدین مشهور به افغانی)

استاد حبیبی بلافاصله بعد از نقل این قول ، با صراحت می نگارد:

«من هم عقیده دارم که سید صفدر بنا بر علی که در اوراق گذشته ذکر شد از شیرگر یعنی اسد اباد کنر، مولد پسرش سید جمال الدین، با عایله و ال خود هجرت کرد و بنا بر سابقه یی که پدرش سیدعلی شاه همدان، درین شهر داشته با سادات اسد ابادی قرابت و خویشی کرده و سکونت اختیار نموده اند» ص ۶۵

کتاب «نسب و زادگاه سید جمال الدین الافغانی» طوری که خوانندگان عزیز ملاحظه می فرمایند، اثر تحقیقی علامه حبیبی، بهترین تحقیق افغانی راجع به سید جمال الدین است که حرف های تازه ای دارد. «بهترین تحقیق افغانی» برای این می گویم که آنچه در مورد سید جمال الدین افغانی، در افغانستان به نشر رسیده است، اکثر ثمره کار و پژوهش خارجی ها، به خصوص مصری ها، هندی ها، ترکان و ایرانیان است.

در حالی که استاد حبیبی حتی برای پیدا کردن نام اجداد و بنی اعمام سید به کتاب محاکم کنر در یکصد و چند سال قبل که ملکیت های سادات کنر، در آن ضبط و ثبت است، مراجعه نموده و قبرهای نیاکان سید را در کنر یافته است و حرف هایی را در مورد سید گفته که قبلا مشهور نبوده است و اگر پژوهش های استاد حبیبی ادامه می یافت، به گمان من، نقطه مشترک میان ادعاهای افغان ها و ایرانی ها، به دست می آمد.

از حرف های استاد حبیبی، من به این نتیجه می رسم که:

۱- «اسعد اباد» کنر که اغلب مؤرخان در افغانستان، آن را، زادگاه سید جمال الدین می دانند، صحت ندارد. چون نخستین زندگینامه سید در مصر، به قلم شیخ محمد عبده نگاشته شده است و زادگاه سید در آن نبشته، اسعدآباد کنر درج شده است، در افغانستان هم نام منطقه ای را «اسعد آباد» گذاشتند، درحالی که ما شیرگر داریم که به معنای اسد آباد است و نیازی به «جعل» اسعد آباد نیست و محمد نادر شاه هم حینی که بعد از تصدی وزارت مختاری افغانستان در سال ۱۹۲۷ میلادی در پاریس به سر می برد، آن را می پذیرد.

بناء وقتی که سید جمال الدین اسد آبادی می گوئیم، هدف همین شیرگر است، نه اسد آباد همدان.

۲- امکان دارد «اسعد آباد کنر» که برای نخستین بار در سال ۱۳۰۳ هجری قمری (۱۸۸۶م) در مقدمه «الرد علی الدهریین» چاپ بیروت، تسجیل یافت؛ اشتباه چاپی باشد و هدف شیخ محمد عبده «اسد آباد» باشد، نه «اسعد آباد»! به گونه ای که علامه محمود طرزی «اسد آباد همدان» را در سال ۱۹۱۶م در سراج الاخبار «اسعد آباد» ثبت می کند! وبسایت وزین و مبارز «سرنوشت» هم در زمستان سال ۱۳۸۵ هجری خورشیدی، مقالتی را تحت عنوان «پرسشی چند در مورد سید جمال الدین افغانی» به قلم آقای اسدالله غالب به نشر رساند که یکی از پرسش های مطرح شده در آن مقالت این بود که :

«آیا واقعیت است که تا شصت سال پیش، منطقه ای به نام اسعد آباد در کنر وجود نداشت و گفته می شود که حکومت

افغانستان در سال ۱۳۴۰ اسم منطقه «شیرگر» را «اسعد آباد» گذاشت؟»<sup>۴</sup> و استاد حبیبی به گونه غیر مستقیم ۳۰

سال قبل به آن پرسش، پاسخ داده است.<sup>۵</sup>

<sup>۴</sup> ( حرف آقای اسد الله غالب را - که شاید نام مستعار باشد - بایست اینگونه تصحیح کرد که « شیرگر» به «اسعد آباد» تغییر داده نشده است؛ بل بالای منطقه «چغه سرای» یا «چغان تپه» نام « اسعد آباد» را گذاشته اند؛ اما مردم محل تا هنوز آن منطقه را « چغه سرای » می گویند. همچنان برای اینکه محاسبه ۶۰ سال قرین صحت گردد، بایست یادآور شوم که شاید هدف آقای اسدالله غالب، سال ۱۹۴۰ م باشد، نه ۱۳۴۰ ه. ش.

<sup>۵</sup> ( دانشمند محترم سمرحقی عبد الله بختانی خدمتگار به این باور است که «سدرگت» زادگاه و « شیرگر» آموزشگاه سید جمال الدین است. د سید جمال الدین د ژوندانه هدف، ص ۱۹

۳- پدر کلان سید جمال الدین هم گذرش به همدان افتاده است و به گفته استاد حبیبی، احتمال می رود که «وصلتی» هم در آنجا کرده باشد و در کتربه نام شاه همدان معروف است و در کتربه هم مدفون.

۴- سید صفدر، پدر سید جمال الدین، با خانواده به اسد آباد همدان رفته و در آنجا ازدواج نموده است.

۵- خواهر زادگان سید، آیا از زوجه افغانی سید صفدر اند و یا از زوجه ایرانی اش که از نبشته های استاد حبیبی، به صورت روشن استنباط نمی گردد، اما اگر ادعای میرزا لطف الله در شاگردی سید درست باشد، بایست مادرش، دختر زوجه افغانی<sup>۶</sup> سید صفدر باشد.

۶- نبشته استاد حبیبی شعار گونه نیست و بر اسناد و دلایل استوار است و حتی حرف علامه محمد قزوینی را که اکثر افغانها دلیل بر افغان بودن سید جمال الدین از زبان ایرانی ها می دانند، استاد حبیبی در تبصره بر آن، آنرا به صورت کامل نمی پذیرد، باوجود این همه، آنچه من خود را با استاد حبیبی موافق نمی دانم، درس خواندن سید جمال الدین در قزوین، تهران و نجف و سایر مراکز شیعی است، زیرا ثقافت فکری سید را، به برداشت من، اندیشه های اهل سنت و جماعت تشکیل می دهد و مسأله به پژوهش بیشتر نیاز دارد و در اینجا معلوم نیست که آیا سید جمال الدین خرد سال، پدرش را به اسد آباد همدان ایران، همراهی کرده است و یا خیر؟

بناء نتیجه حرف های پوهاند حبیبی این می شود که شجره سازی میرزا لطف الله خان و الواح قبور اجداد سید جمال الدین، دقیق نیست، یعنی بالاتر از سید صفدر اعتبار ندارد؛ بلکه قبور اجداد سید جمال الدین در کتربه افغانستان است و سید صفدر به اسد آباد همدان رفته و همسر ایرانی داشته است و در همانجا وفات یافته است.

هرگاه در همان سال ۱۹۱۶م به تقاضای محمود طرزی از طرف خوانندگان جریده سراج الاخبار، پاسخ ارائه می گردید و در آن زمان که هنوز بیش از ۱۹ سال، از وفات سید جمال الدین سپری نشده بود؛ شاید بنی اعمام سید در کتربه، زنده می بودند و پژوهشی در مورد خاندان او صورت می گرفت، بسا از این نوع پرسش ها، پاسخ می یافت؛ اما کاری که علامه حبیبی در سال ۱۳۵۵ هجری خورشیدی انجام داد، سزاوار تقدیر است و اگر پژوهشگری صلاحیت علمی و شمس قوی تحقیقی استاد حبیبی را می داشت و کار ۳۰ سال قبل استاد حبیبی را ادامه می داد، بلا ریب نکات دیگری هم در مورد سید جمال الدین روشن می شد که متأسفانه، ناآرامی های سه دهه اخیر که آنرا در همه کاستی ها دلیل می آورند، می توان، توجه اندک به سید جمال الدین را در سه دهه اخیر، معلول همین ناآرامی ها و فراهم نبودن جو مساعد برای کارهای تحقیقی و پژوهشی در افغانستان شمرد.

خواننده ارجمند یکی از اهداف من در نگارش این مقاله؛ اشاره به این نکته است که در افغانستان کارهای پژوهشی راجع به سید جمال الدین کمتر انجام شده است و حتی مبالغه هایی هم در مورد او شده است، به گونه مثال استاد میر سعید بریمن که «نیچریه» سید را از زبان فارسی به زبان پشتو ترجمه نموده است، در مقدمه نیچریه بدون ارائه سندی، نگاشته است که: سید جمال الدین، لومری وزیر یعنی نخست وزیر امیر محمد افضل خان بود.<sup>۷</sup>

<sup>۶</sup> ( غلام جیلانی اعظمی در رساله اش « نابعه عصر نوزدهم» که نخستین رساله چاپ شده در مورد سید جمال الدین افغانی در افغانستان است - زیرا این رساله ۷۵ سال قبل در سال ۱۳۱۰ هجری خورشیدی در کابل به چاپ رسیده است - در آن رساله؛ مادر سید از قوم صافی کتربه معرفی شده است.

<sup>۷</sup> ( ترجمه نیچریه به زبان پشتو از آقای میر سعید بریمن، که در صفحه ۶ آن آمده است: « کله چی امیر دوست محمد خان پاچا شو، نو سید جمال الدین په دغه وخت کی بیخی زلمی و، د خپل لمري وزیر په حیث وټاکه. » یعنی وقتی که امیر محمد افضل خان پادشاه شد، سید جمال الدین را که در آن وقت به کلی جوان بود به حیث نخست وزیر یا وزیر اول (صدر اعظم) خود انتخاب کرد. شاید آقای بریمن این موضوع را در کتابی خوانده باشد؛ اما به مأخذ خود، اشاره نکرده است.

خدا کند در کابل و کنر به مناسبت یک صد و دهمین سالگرد خاموشی شمع عمر سید جمال الدین افغانی، کارهای تحقیقی تازه ای انجام گرفته باشد، تا علاقمندان افکار و اندیشه های سید از آن بهره ور گردند.<sup>۸</sup>

پایان قسمت پنجم

ادامه دارد

قسمت های قبلی این مطلب را می توانید به کمک لینک های ذیل مطالعه فرمائید:

قسمت اول

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Khosti\\_L/I\\_khosti\\_s\\_jamaludin\\_afgh\\_w\\_nokhbagan.pdf۰۱\\_afghanistan](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Khosti_L/I_khosti_s_jamaludin_afgh_w_nokhbagan.pdf۰۱_afghanistan)

قسمت دوم

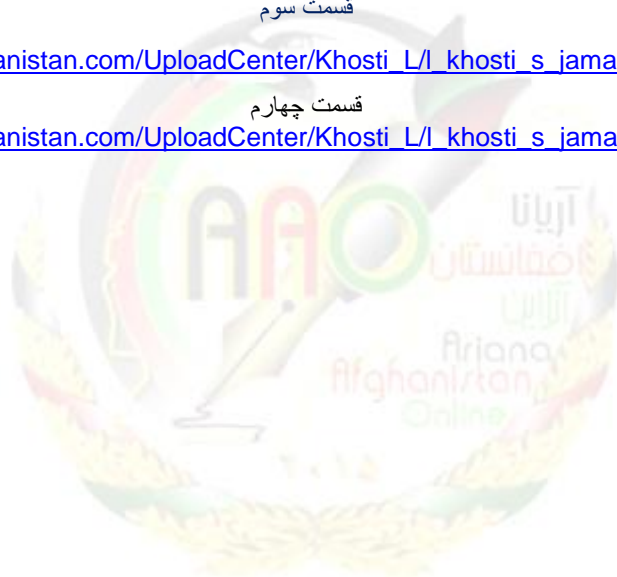
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Khosti\\_L/I\\_khosti\\_s\\_jamaludin\\_afgh\\_w\\_nokhbagan.pdf۰۲\\_afghanistan](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Khosti_L/I_khosti_s_jamaludin_afgh_w_nokhbagan.pdf۰۲_afghanistan)

قسمت سوم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Khosti\\_L/I\\_khosti\\_s\\_jamalludin\\_afghan\\_۰۳.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Khosti_L/I_khosti_s_jamalludin_afghan_۰۳.pdf)

قسمت چهارم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Khosti\\_L/I\\_khosti\\_s\\_jamalludin\\_afghan\\_۰۴.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Khosti_L/I_khosti_s_jamalludin_afghan_۰۴.pdf)



---

<sup>۸</sup> (مقاله حاضر بعد از نشر در سایت های اینترنتی، بازنگری شده و یافته های جدیدی (به ویژه در این چاپ) بر آن افزوده شده و تصحیحاتی هم در آن، رونما گردیده است.